

(1) بعد از ابلاغ صحف تسلیات و ارسال تحف تحیات بعالیجناب سعادت ماب دولت انتساب
 (2) امیر اعظم اکرم مفخر الامرا فی الزمان قائم بیک ادام الله تعالی شانها سلاملا
 کلام ...¹ نموده (3) ملاقات بر وجه احسن عنقریب مرزوق باد¹ بعد ما اینها²
 معلوم فرماید که حال واحوال قزلباشان (4) تباه شده تمرخان آمده خراسانرا گرفته
 مجموع لشکر شاه شکسته کس نرسته و شاه رستم نیز با ده دوازده (5) هزار مرد بر سر
 شاه تاخته مشار الیهرا زیر کرده خود هم زخم خورده¹ نابدیداست³ این فقیر نیز (6) با
 امراء کردستان یکی شدیم و جاهای ما که بدست دشمنان ضبط شده بود بعنایت الله
 سبحانه و تعالی بما باز (7) کشت واز اطراف جوانب مردم اعدارا مخاصمه و محاضر
 می نمایم که بهیچ وجهی من (8) من⁴ الوجوه پا دراز نمی توانند کردن از ترس
 مردمان لشکر کرد انشاء الله العزیز اتفاق (9) بر آنست هر چه زودتر بر سر دیار بکر
 شویم با دشمنان بی امان بطریق حرب و جنک ضرب بر ایشان (10) نمایم از همت بلند
 و نهمت ارجند انجناب راههارا بریشان گرفته تسلیم میخواهد که (11) قرار نمایند و
 لیکن نمیتواند بدین صفت تا معلوم باشد و السلام سایه عالی مستدام باد

¹المشتاق

تحتیه

میر شاه علی جزیره⁵

¹ Ms. مام ال. Unleserliche Stelle. ² In der Wendung جعد ما اینها ist entweder
 oder اینها überflüssig. ³ Ms. sic! Recte: نابدید است. ⁴ Das Wort من am An-
 fang der Zeile ist zu tilgen. ⁵ In Höhe der 6.-8. Zeile auf den Rand geschrieben.